

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

دگرمن احمد قندهاری

۱۵ جنوری ۲۰۱۵

قوای مسلح افغانستان تا یک اردوی متجانس!

درین روزها، خیرها در چگونگی «اردوی ملی افغانستان» و توانمندی آن در دفاع از تمامیت ارضی و به ویژه در مقابله با طالبان، در رسانه های خبری موضوع داغ هر میز مدورگردیده است. لذا یک عده کار از شناسان نظامی و سیاسی، سر در آبخور بیگانگان باز هم از بیرون شدن قوای اشغالگر، که نه به خاطر امنیت ملت رنج دیده؛ بل هراسان از قطع معاشات جاسوسی شان سرگردان به هر طرف دست و پامی زنند و از ضرورت بمباردمان به حمایت هوایی «اردوی ملی» در رسانه های درونی گلو پاره می کنند که حقیقتاً چشم و وجدان شان از نتایج خونبار و تلفات مردم بیگناه روستاها بالخصوص اطفال و زنان، بالاثربمباردمان های کور شب هنگام کور بوده؛ خواستم مروری بر دوره تکاملی اوردو در سه قرن اخیر داشته باشم. قابل تذکار و یاد آوری می دانم، هر حکومتی که در گذشته تاریخ این سرزمین متکی به نیروهای خارجی بوده، زوالش به رسوائی و سرافکندگی محتوم گردیده است. از شاه شجاع تا حکومت حزب دیموکراتیک (خلق، پرچم) و حکومت تنظیمی ها و تداوم آن و این هم فوتوی، نمونه ای از نتایج بمباردمان های کور قوای هوایی ناتو. اطفال قربانی شده به اثر بمباردمان هوایی ناتو. با تأسف و درد که این حملات شبانه قوای اشغالگر از سال ۲۰۰۱ به این طرف همیشه و به طور متداوم از کودکان و از اهالی محل قربانی گرفته است.



از آن جایی که تمام پدیده های اجتماعی دارای یک دوره رشد و تکاملی می باشد، اردوی افغانستان هم یک دوره رشد و تکاملی نسبی داشته و دارد که اگر آغاز این دوره را از زمان سلطنت امیر شیرعلی خان (سال ۱۸۷۴) ببینیم توأم با نظر داشت و به اضافه موجودیت تاریخی اردوی ملی و یا هم قومی تحت فرمان سرداران قومی، که به یک سلسله فتوحات موفقانه تاریخی (هوتک ها و ابدالی ها) در کنار جنگ های قومی و فراز و نشیب ها به استناد منافع

فیودالان و سرداران آنها تا قبل از سلطنت امیر شیرعلی خان مورد قبول و پذیرش تاریخی قرار می‌گیرد. ولی آغاز دوره اصلاحات و سازماندهی اردو در کتب تاریخی چنین شرح گردیده:

امیر شیرعلی خان اقدام به منظم ساختن اردو از یک اردوی غیر منظم قومی - و اصلاح معاشات صاحبمنصبان از حصول مالیات دولتی نمود.

(میرمحمد صدیق فرهنگ ج اول قسمت اول)

و باز هم در (افغانستان در مسیر تاریخ) اثر روانشاد غبار

امور نظامی افغانستان در عهد امیر شیرعلی خان انکشاف نموده، اردو تحت نظم و دسپلین قرار گرفت. گرچه این اردو از نظر سوق الجیشی در قدمه های اولیه و ابتدائی بود، تشکیلات بالا تر از غند نداشت ولی صنوف ثلاثه (پیاده، سواره و توپچی) در مناطق عمده نظامی موضع گرفته بودند.

تعلیم و تربیه نظامی به واسطه تعلیمگاه ها و تعلیم نامه ها به عمل می آمد و در قدمه خدمات تأمیناتی دارای کارخانه توپ ریزی، تفنگ و باروت سازی بود و از همین کارخانه ماهانه یک ضرب توپ تولید می گردید و همچنین تولید تفنگ، باروت و کرچ به مقدار بیشتری تولید می شد.

از این قلم: تا سال ۱۳۴۵ از تولیدات همین فابریکه حربی برای هر فارغ التحصیل حربی پوهنتون یک کرچ هدیه نظامی داده می شد.

قتله های عسکری اعمار گردید و شهر نظامی شیرپور در همین سال در عهد امیر تهاداب گذاری شده. که اکنون در بین هموطنان کابلی ما به شیرچور مسمی گردیده، معلمین و مشاورین نظامی هندی، استخدام شد و تشکیل اردو در زمان امیر قرار ذیل ثبت تاریخ گردیده:

پیاده نظام ۵۷ غند.

سواره نظام ۲۰ غند

بطریه توپچی کوهی شامل اسپ، فیل ۲۶ بطریه.

معاش پیاده هفت روپیه و از سواره و توپچی دو چند پیاده نظام تادیه می شد. یونفورم عسکری تعیین گردید.

این بود مختصری از اصلاحات و تشکیل یک اردوی منظم. که این ریفورم ها جزئی از دوران رشد و تکامل اردوی افغانستان به شمار می رود که زمامداران هر دوره سعی به خرج داده اند تا به غرض حفظ منافع نظام بر سراققتدار شان و دفاع از حریم تمامیت ارضی به اضافه حفاظت از حدود سلطه فرمانروائی شان خوبتر و مکمل تر اردو را مسلح و تجهیز نمایند.

اگر چه بعد از دوره امیرشیرعلی خان، در مورد تشکیل پرسونل و سلاحهای ثقیل و خفیف دست داشته آن زمان در کتب تاریخ ارقام و احصائیه های تذکار یافته، مگر به مشکل می توان بران صحه گذاشت.

طوری که از مطالعات دوره های تاریخی نظامی افغانستان به مشاهده می رسد؛ دکتورین حربی تا زمان رسیدن پای استعمار انگلیس شکل تعرضی ستراتیژیک داشته، ولی بعداً به خصوص بعد از تعهدات (۱۸۳۸ معاهده سه جانبه بین شاه شجاع، انگلیس و رنجیت سنگه در لاهور، و معاهده ننگین گندمک، امیر محمد یعقوب خان ۱۸۷۹، امضای معاهده دیورند ۱۸۹۳ بین امیر عبدالرحمن خان و انگلیسها و بالاخره در تداوم همین معاهدات بازنده محلات شرقی و جنوب شرقی افغانستان { معاهده کابل بین دولت امانی و انگلیس جنوری ۱۹۲۱ } دکتورین ستراتیژیک حربی کشور به یک دکتورین دفاعی تبدیل گردید، که تا اکنون ادامه دارد.

دوران مدرنیزه شدن اردو که در سالهای بین (۱۳۳۳ - ۱۳۵۷) صورت گرفت، می توان از انکشافات ذیل یاد آور شد:

تشکیلات اردو به قول اردو ها ، قطعات مستقل ، زرهی و راکتی و قوای منظم هوایی و مدافعه هوایی شامل غند های شکاری و بمباردمان ، و ترانسپورتی سیرتکاملی داشت و از داشتن فابریکه حربی ابتدائی به ورکشاپ های حربی بزرگ که توان باز ساخت و ترمیم هر نوع سلاح دست داشته ارود را داشت، ارتقاء نمود .

از سطح تعلیمگاه ها و کورس های تعلیمی به مرکز تحصیلی حربی پوهنتون و کورس عالی افسران تکامل نموده بود حربی پوهنتون متشکل از پوهنخی های ذیل بود: پیاده ، توپچی ، زره دار، مخابره، استحکام(انجینری) کیمیا و گاز (اسلحه کشتار دسته جمعی) ، لوژستیک و به طور جداگانه اکادمی تخنیک. هر پوهنخی دارای چند مسلک اختصاصی صنف مربوطه بود ..

پوشیدن یونوفورم و دسپلین نظامی و سلسله مراتب نظامی طبق تعلیمنامه خدمات داخله برای منسوبین اردو- حتمی الاجراء بود و هر متخلف آن محکوم به جزاء می گردید. تغییری و تبدیلی ، ترفیع و تقاعد و مجازات و مکافات طبق قوانین نظامی ترفیع و تقاعد بدون کم و کاست اجراء می گردید.

در دوران جمهوری داوود خان یک مقداری زیاد سلاح های مدرن خفیفه و ثقیله از جمله تفنگ های کلاشینکوف و راکت های زمین به زمین و زمین به هوا ، دافع هوا به تسلیحات گرم اردو اضافه گردید. نا گفته نباید گذاشت که این راکت ها از نوع رهبری شده بود و به خصوص ماشن دار چهار میله دافع هوا ۱۲.۵ م م ، موتر زرهپوش نوع شیلکا که توانائی حرکت الی زوایه ۴۵ درجه را در مناطق اراضی کوهستانی دارا بود. این سلاحی بود که اردوی پاکستان از این نوع سلاح بی بهره بود.

زمانی که در سال ۱۹۵۴ تقاضای رسمی کمک نظامی (محمد داوودخان صدراعظم وقت) از جانب نیکسن معاون رئیس جمهور وقت امریکا پذیرفته نشد در نتیجه حکومت وقت افغانستان تقاضای کمک نظامی و تسلیحاتی از اتحاد شوروی نمود؛ که در نتیجه کمیت اردو به ۸۰ هزار نفر بالا رفت ، و در شرایط سفربری ظرفیت جذب همین تعداد را داشت. و الی سال ۱۹۵۸ اردوی افغانستان با سلاح ثقیل و خفیف ، طیارات جنگی ، ترانسپورتی و سلاحهای مدرن ضد هوایی و زرهی پیشرفته تجهیز گردید. این دوره رشد و ارتقای کمی و کیفی اردو بود ، که به اردوی منظم و قدرتمند در منطقه مبدل گردید. مشاورین روسی به تعداد کافی در کادر های بالائی اردو استخدام گردید و همچنین عدده زیادی از فارغان صنف ۱۲ به غرض تحصیلات عالی نظامی در شقوق مختلفه جنگی ، تخنیکی و تأمینات نظامی به اتحادشوری آنزمان و سایر کشور های بلوک شرق اعزام شد ؛ که برخی از آنها در انجام کودتای ۲۶ سرطان و هفت ثور نقش مؤثری را بازی نمودند. این سیر ارتقاء و رشد اردو الی سال ۱۹۷۳ ادامه داشت.

کودتای ۲۶ سرطان

با نظر داشت این همه انکشافات تشکیلاتی ، تسلیحاتی و مکانیزه شدن صفوف اردو ، ولی در بطن از نقطه نظر سیاسی و نظامی بیوروکراتیک و نا موزون بود، که منشای اصلی آن نقیصه اقتصادی و طبقاتی بود. معاشات افسران و تأمینات لوژستیک و مالی طبق خواست زمان، نیازمندیهای اردو را اشباع نمی توانست. موجودیت جنرالان از قشر بالای جامعه توأم با برتری قومگرائی مطلق و انضباط خشک و غیر علمی جنرالان در سوق و اداره صفوف اردو ؛ اثرات منفی خاصی باخود داشت.

مشق و تمرین عملیات های جنگی در ارتقای سطح تعلیم و تربیه عملی افسران و افراد اردو کمتر عملی می شد و از این لحاظ حد پایانی داشت.

و تنها به انداخت های میان دوره ای و سالانه تعلیمی قطعات با مصرف حداقل جبه خانه ، در ختم دوره های تعلیمی و عمومی اکتفاء می گردید .

نا رضاتی قشر خورد ضابطان که از نظر کمی در صفوف اردو کم نبودند . از سالهای ۵۰ بعد تقاضای های آنها تا سرحد مظاهره در داخل قطعات انجامید که سران این حرکت که به هیچ گروه و یا جریان وابستگی نداشت به جزاء های سنگین محکوم و راهی زندانها شدند. چون خواست های صنفی این قشر از طرف دولت وقت بر آورده نشد بود به یک قشر عقده مند مبدل شده و منتظر پیوستن و پشتیبانی هر حرکت سیاسی بودند.

چند نفر آنها که از جمله مادونهای این قلم بودند، همیشه با من طرح خواست های شان را در میان می گذاشتند و طالب مشوره و رهنمائی بودند، از جمله آنها می توانم از (حفیظ) که یک انسان با روحیه و سرشار بود و بعد از دستگیری به ۲۰ سال حبس محکوم شده بود، نام ببرم.

به اضافه کمبودی های فوق ، در سطح احضارات به مقابل احتمالات حرکات ناگهانی و بالخصوص حرکت کودتائی پلان جنگی و عملیاتی وجود نداشت. اگر چه در هر قطعه و جزو تام ابراسیون های احضارات نمبر یک و دو در حال اجراء بود ولی احضارات نمبر یک در ساعات شب شکل پاسیف داشت و مورد توجه خاص قومندانان و جنرالان نبود. و زیادتیر به گونه بروکراتیک عملی می شد.

با در نظر داشت شرایط فوق هر گروه سیاسی دیگر هم که به کودتای نظامی به عوض داوود خان متصل می شد ؛ به آسانی و بدون خونریزی پیروز بود.

لذا داوود خان که تجارب چندین ساله در سوق و اداره اردو داشت ، و تمام کادر های کهنه کار و جنرالان بر حال روابط خوبی را با وی حفظ کرده بودند. توانست با یک تشکل بسیار ساده در تبنائی با حزب خلق به ویژه جناح پرچم و پشتیبانی سوسیال امپریالیزم در شب ۲۶ سرطان ...